

Conceptualization of "Knowledge" in the works of Sheikh Ahmad Jam Namghi based on the theory of conceptual metaphor

Mosayyeb Seddighi Doctoral student of mystical literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Seyyed Ali Asghar Mirbaghri Fard*, Professor of the Department of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

In this article, Conceptual metaphors centered on "knowledge" in the works of Ahmad Jam Namghi have been discussed in order to determine the usage of conceptual metaphor and its functions in connection with the conceptualization of knowledge. It should also be clear that which of the conceptual metaphors Ahmed Jam used more to explain "knowledge". For this purpose, macro-metaphors of knowledge and related sub-metaphors were extracted and their diagram was drawn to objectify the discussion. After analysis and investigation, the authors have shown that the basis of the metaphors of knowledge in Ahmed Jam's works are three big metaphors: "Knowledge is material", "Knowledge is a container" and "Knowledge is human". To make knowledge tangible, simple and understandable, the macro-metaphor "Knowledge is like matter" and related sub-metaphors have been helped more than other metaphors. Also, the authors have shown that Ahmad Jam's mystical teachings about knowledge revolve around a few limited functions such as annihilation, submission, mastery, and unrecognizability. The origin of the presence of these functions is Ahmad Jam's opinion about God. He considers knowledge and God as one. Another result of this research is that Ahmad Jam's religious and Quranic perspective and his relationship with the court have been influential in the way of using the metaphors of knowledge and its function and embodying the concept of knowledge.

Keywords: conceptual metaphor, works of Sheikh Ahmad Jam, knowledge

*Corresponding Author: a.mirbagherifard@gmail.com

مفهوم‌سازی «معرفت» در آثار شیخ احمد جام نامقی بر اساس نظریه استعاره مفهومی

مصیب صدیقی دانشجوی دکتری ادبیات عرفانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
سید علی‌اصغر میرباقری فرد* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

در این مقاله به بررسی استعاره‌های مفهومی با محوریت «معرفت» در آثار احمد جام نامقی پرداخته شده تا نحوه کاربرد استعاره مفهومی و کارکردهای آن در ارتباط با مفهوم‌سازی «معرفت» مشخص شود. همچنین آشکار شود احمد جام از کدام یک از استعاره‌های مفهومی برای تبیین «معرفت» استفاده بیشتری کرده است. برای این منظور کلان استعاره‌های معرفت و خرده استعاره‌های مرتبط با آن استخراج گردید و برای عینیت‌بخشی به بحث نمودار آن‌ها ترسیم شد. پس از تحلیل و بررسی، نگارندگان نشان داده‌اند که مبنای استعاره پردازشی‌های معرفت در آثار احمد جام سه کلان استعاره است: «معرفت ماده است»، «معرفت ظرف است» و «معرفت انسان است». همچنین نشان داده‌اند شیخ جام برای اینکه مفهوم پیچیده «معرفت» را محسوس، ساده و قابل درک کند از کلان استعاره «معرفت به مثابه ماده است» و خرده استعاره‌های مرتبط با آن بیشتر از سایر استعاره‌ها کمک گرفته است. همچنین نویسندگان نشان داده‌اند که آموزه‌های عرفانی احمد جام درباره معرفت بر محور چند کارکرد محدود مانند فنا، تسلیم، تسلط و ناشناختگی می‌چرخد. منشأ حضور این کارکردها، پنداشت احمد جام درباره خداوند است. وی معرفت و خداوند را یکی می‌داند. از دیگر نتایج این پژوهش آن است که دیدگاه مذهبی و قرآنی احمد جام و ارتباطی که با دربار داشته در نحوه کاربرد استعاره‌های معرفت و کارکرد آن و تجسم بخشیدن به مفهوم معرفت تأثیر گذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، آثار شیخ احمد جام، معرفت

*نویسنده مسئول: a.mirbagherifard@gmail.com

مقدمه

در زبان‌شناسی سنتی استعاره نقش زیبایی و بلاغت دارد اما در زبان‌شناسی شناختی، استعاره نقش شناختی دارد و عنصر اصلی در شناخت ما از جهان پیرامون و فرایند اندیشیدن است. مطابق با دیدگاه جدید، استعاره یک ابزار زبانی است که می‌تواند به ادبیات و هر دانش دیگری که با زبان در ارتباط‌اند کمک کند. لیکاف و جانسون نخستین بار اصطلاح استعاره مفهومی را مطرح کردند. از دیدگاه آن‌ها استعاره پدیده‌ای صرفاً زبانی نیست بلکه استعاره در بنیان خود فرایندی شناختی و ذهنی است که در زبان نمودار می‌شود. (Lacoff & Johnson, 1980). مطابق با نظریه معاصر استعاره، مفاهیم انتزاعی با استفاده از استعاره تبیین، محسوس و قابل درک می‌شوند؛ و در تعریف استعاره مفهومی گفته‌اند: «الگوپردازی نظام‌مند بین عناصر مفهومی یک حوزه از تجربه بشر که ملموس و عینی است، بر روی حوزه دیگری که معمولاً انتزاعی‌تر است یعنی حوزه مقصد» (Lacoff, 1993)

شیخ احمد جام نامقی از عرفای سنت نخست عرفانی و تأثیرگذار قرن ششم است که در عمر طولانی خود آثار نسبتاً متنوعی از خود به یادگار گذاشته است. آثاری همچون: *أنس التائبین*، *روضه المذنبین*، *سراج السائرین*، *بحار الحقیقه*، *کنوز الحکمه*، *مفتاح النجات* و رساله *سمرقندیه*. این آثار همگی به نثر هستند. «معرفت» یکی از موضوعات کلیدی در این آثار است که شیخ بارها درباره‌ی مراتب، ثمرات و مفهوم آن سخن گفته است. نگارندگان در این پژوهش قصد دارند بر اساس نظریه استعاره مفهومی، دیدگاه‌های هستی‌شناسانه شیخ جام درباره‌ی مفهوم «معرفت» را تحلیل و بررسی کنند تا آشکار شود در آثار شیخ احمد جام استعاره با کارکردی شناختی به تجسیم مفهوم انتزاعی معرفت می‌پردازد و احمد جام به کمک آن علاوه بر توصیف عواطف عرفانی و محسوس کردن مفهوم معرفت زمینه‌های اقناع مخاطبان‌ش را نیز فراهم می‌سازد.

پرسش اصلی در این پژوهش آن است که نحوه کاربرد استعاره مفهومی و کارکردهای آن در تبیین مفهوم معرفت در آثار شیخ احمد جام نامقی چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در حوزه ادبیات عرفانی منشور با رویکرد استعاره مفهومی انجام شده است عبارت‌اند از:

خدادادی، زهرا (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، استعاره‌های مفهومی «عبرالعاشقین» را بررسی کرده است. نویسنده بعد از دسته‌بندی استعاره‌های شناختی عبرالعاشقین آن‌ها را بر اساس اصول «یاکل» توصیف کرده است و نشان داده که در عبرالعاشقین سه دسته استعاره به‌کاررفته است: هستی‌شناختی، جهت‌ی و ساختاری. این استعاره‌ها بر اساس انسجام معنایی متنِ عبرالعاشقین در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته‌اند و مجموعه‌ای از شبکه‌های استعاری را به وجود آورده‌اند که دارای مدل‌های شناختی نظام‌مند و منسجمی هستند.

هاشمی، زهره (۱۳۹۲) در مقاله زنجیره‌های استعاری محبت در تصوف (بررسی دیدگاه صوفیه درباره محبت از قرن دوم تا ششم هجری بر بنیاد نظریه استعاره مفهومی) نگاهی به استعاره‌های محبت در آثار متصوفه را استخراج کرده و دیدگاه‌های صوفیه درباره عشق و محبت را با توجه به استعاره مفهومی بررسی کرده است. زرین فکر و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله استعاره مفهومی رویش در معارف بهاء ولد مواردی که در آن‌ها از اصطلاحات قلمرو گیاهان برای مفهوم‌سازی مفاهیم ذهنی استفاده شده را بررسی کرده‌اند. استوار نامقی، محمد و قربان صباغ، محمود رضا (۱۳۹۴) در مقاله استعاره‌های سماع در انس التائیین احمد جام نامقی بر اساس نظریه استعاره مفهومی گزارشی از استعاره‌های سماع در انس التائیین ارائه کرده است. هاشمی، زهره (۱۳۹۴) در فصل سوم کتاب عشق صوفیانه در آینه استعاره: نظام‌های استعاری عشق در متون عرفانی منشور بر اساس نظریه استعاره شناختی به نحوه تلقی عرفا از عشق بر بنیاد نظریه استعاره مفهومی می‌پردازد. بهنام، مینا (۱۳۹۸) در مقاله استعاره مفهومی نور در دیوان شمس با استفاده از

نظریه شناختی استعاره معاصر به سراغ کارکردهای استعاره نور و خوشه‌های تصویری مرتبط با آن مانند خورشید، آفتاب، شمع، مشعله، چراغ و غیره در غزلیات شمس رفته است. دهقان دهنوی، زهرا و ملک ثابت، مهدی (۱۳۹۸) در مقاله بررسی استعاره مفهومی بذر در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی با بررسی استعاره‌های مفهومی «بذر» در مرصادالعباد و طبقه‌بندی آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بسامد بالای استعاره‌های خُرد بذر در مرصادالعباد ریشه در استعاره کلان «جهان آفرینش بذر است» دارد و درنهایت همه این استعاره‌ها به کلان استعاره «خداوند کشاورز است» می‌رسند.

با توجه به جست‌وجوهای صورت گرفته در منابع مختلف، مقاله و اثری یافت نشد که استعاره‌های مفهومی «معرفت» در آثار شیخ جام را بررسی کرده باشد. آشکار است این مقاله از این نظر تازه است و امتیاز پژوهش آن است که بر اساس نظریه استعاره شناختی، نحوه کاربرد استعاره مفهومی و کارکردهای آن نسبت به «معرفت» را برای نخستین بار تبیین می‌کند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش درصدد است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی، تحلیلی «معرفت» را بر بنیاد نظریه استعاره مفهومی، در آثار منثور شیخ احمد جام نامقی - انس التائبین، روضه المذنبین، کنوزالحکمه، رساله سمرقندیه - بررسی کند. بدین منظور نخست مثال‌های استعاره معرفت استخراج می‌شود. سپس این استعاره‌ها بر اساس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون تحلیل و بررسی می‌شوند.

۳. یافته‌ها

۳-۱. آشنایی با مبحث نظری تحقیق

لیکاف و جانسون استعاره‌ها را با توجه به ویژگی‌هایی که دارند به سه دسته تقسیم کرده‌اند: استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های وضعی یا جهتی و استعاره‌های هستی شناختی. (ر.ک: گندمکار، ۱۳۹۶). با توجه به هدف تحقیق، از میان این سه دسته، استعاره‌های هستی

شناختی مورد توجه نگارندگان بوده است. در استعاره‌های هستی‌شناختی مفاهیم ذهنی و غیر محسوس به صورت یک موجودیت مجسم می‌شوند. لیکاف و جانسون استعاره‌های هستی‌شناختی را به سه نوع دسته‌بندی کرده‌اند. استعاره «ماده»، «ظرف» و «شخصیت بخشی یا جاندار انگارانه». (ر.ک: گندمکار، ۱۳۹۶). با بهره‌گیری از استعاره‌های «ماده» می‌توان با مفاهیم ذهنی و انتزاعی به مثابه مواد و عناصر متمایز رفتار کرد و «فهم تجربیاتمان به واسطه اشیا و مواد مختلف این امکان را برایمان فراهم می‌سازد که بخش‌هایی از تجربه‌مان را در اختیار داشته باشیم و آن را به مثابه چیزهایی ملموس یا موادی برگرفته از یک کل واحد محسوب کنیم. وقتی تجربیاتمان را به عنوان اشیا یا مواد بازشناسیم، آنگاه می‌توانیم به آن‌ها ارجاع دهیم، آن‌ها را مقوله‌بندی کنیم، دسته‌بندی و ارزیابی کنیم و به این ترتیب در موردشان بیاندیشیم.» (Lacoff & jahnson, 1980). نوع دیگر این استعاره‌ها، استعاره‌های «ظرف» است. «ما میدان دیدمان را به مثابه یک ظرف مفهوم‌سازی می‌کنیم و آنچه را که درون این میدان می‌بینیم، به عنوان چیزهایی درون این ظرف مفهوم‌سازی می‌کنیم.» (Lacoff & jahnson, 1980). سومین نوع از استعاره‌های هستی‌شناختی، استعاره‌های شخصیتی یا انسان‌پنداری هستند. با استفاده از استعاره شخصیتی ویژگی‌ها و کاره‌ای انسانی برای پدیده‌های غیرانسانی به کار می‌رود. «چنین شرایطی این امکان را برایمان فراهم می‌کند تا تجربیات متعددی با چیزهای غیرانسانی را در ارتباط با انگیزه‌ها، خصوصیات و فعالیت‌های انسانی دریابیم.» (Lacoff & jahnson, 1980).

۳-۲. استعاره‌های هستی‌شناختی معرفت در آثار شیخ احمد جام

این استعاره در آثار احمد جام به سه نوع ماده، ظرف و شخصیت بخشی تقسیم می‌شوند.

۳-۲-۱. استعاره‌های هستی‌شناختی ماده

استعاره‌های هستی‌شناختی ماده در آثار احمد جام عبارت‌اند از:

۳-۲-۱-۱. معرفت چراغ است

«اما بدان که معرفت نه آن چراغی است که هر کس آن را بر تواند افروخت و یا هر کسی آن را فرو تواند نشاند» (احمد جام، ۱۳۶۸).

۳-۲-۱-۲. معرفت آفتاب است

«و مثال معرفت چون آفتاب است و ستاره، و ماه، و روز، همه نور از آفتاب گیرند.» (احمد جام، ۱۳۸۷).

۳-۲-۱-۳. معرفت شمع و مشعل است

«اما معرفت خاص چون شمع و مشعله است: نور آن بیشتر و روشن تر است؛ اما از باد و باران آن را بیم باشد.» (احمد جام، ۱۳۶۸).

۳-۲-۱-۴. معرفت آتش است

«همچنان که هیمة بر آتش پای نیارد، گناه بامعرفت پای نیارد» (احمد جام، ۱۳۵۵).

۳-۲-۱-۵. معرفت گنج است

«من نه آن خداوندم که در ازل الازال آن گنج های ایمان و معرفت و... در بار شما تعبیه کردم؟» (احمد جام، ۱۳۹۶).

۳-۲-۱-۶. معرفت کیمیا است

«اکنون این کیمیا های دین بدان که چیست؟ اول: کیمیای معرفت است» (احمد جام، ۱۳۵۵).

۳-۲-۱-۷. معرفت گوهر است

«و به صحرای ربوبیت در ازل الازال که هیچ مخلوقات نبود، مگر گوهر معرفت، تا آنکه که دریا های عزت محمد مصطفی (ص) بیافرید و صدف در معرفت با در هدایت در او تعبیه کرد.» (احمد جام، ۱۳۹۶).

۳-۲-۱-۸. معرفت سرمه است

«اما گُحَل معرفت باید تا صدر جنت یابد و نجات از شرکت یابد» (احمد جام، ۱۳۵۵).

۳-۲-۱-۹. معرفت دارو است

«اگر عقل باشد و معرفت با زان به هم باشد و کار نه چنان باشد که عارفان و عاقلان کنند مثل او همچون مثل آن کسی است که چشم دارد و بصر دارد، ولیکن چشمش را درد است تا دارو نکنند از آن هیچیز نیاید» (احمد جام، ۱۳۶۸).

۳-۲-۱-۱۰. معرفت غذا است

«اما شکر شکار بر غذای دل باشد؛ و غذای دل: معرفت، و هدایت ... و امثال این باشد.» (احمد جام، ۱۳۵۵).

۳-۲-۱-۱۱. معرفت جامه است

«آن معرفت همچون جامه عاریتی است؛ هم تن را فرا پوشد، اما آن وقت که به کار آید باز خواهند.» (احمد جام، ۱۳۶۸).

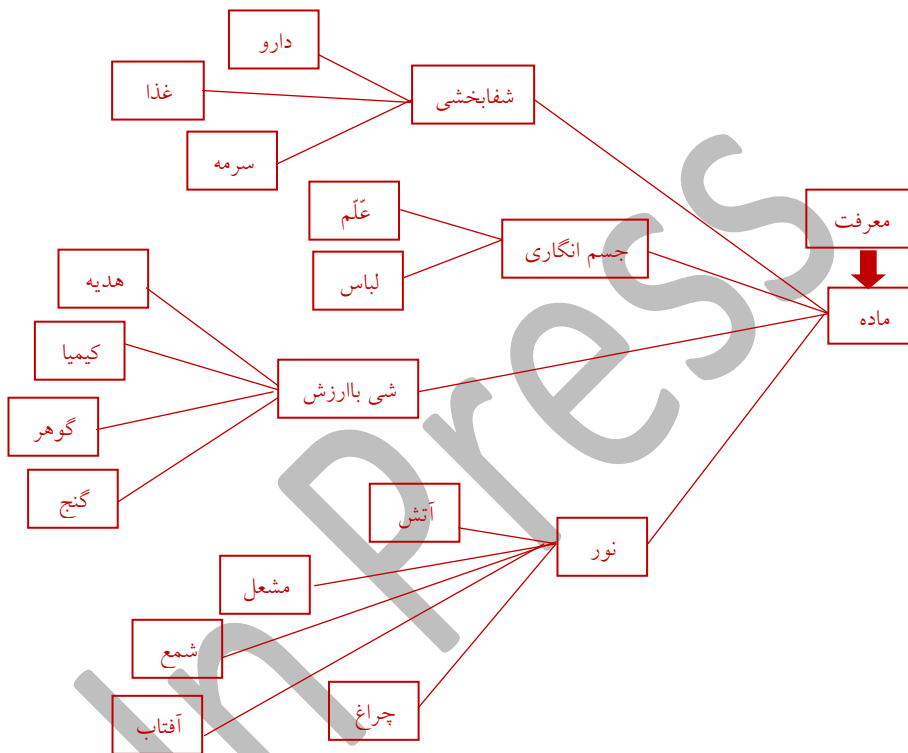
۳-۲-۱-۱۲. معرفت عَلم است

«هرکجا که عَلم معرفت پیدا آمد، و نور وی در سینه تافت، آن نور و آن عَلم پنهان نماند.» (احمد جام، ۱۳۶۸).

۳-۲-۱-۱۳. معرفت هدیه است

«ایمان و معرفت عطای خدای عزّ و جلّ می‌باید دانست، اما مقدمات معرفت بیاید برزید تا او روی به تو نماید.» (احمد جام، ۱۳۵۵).

شکل ۱-۳ کلان استعاره معرفت ماده است و خرده استعاره‌های آن



۳-۳. تحلیل استعاره‌های هستی شناختی ماده

شکل شماره (۱-۳) زنجیره‌های شکل گرفته بر اساس استعاره «معرفت ماده است» را نشان می‌دهد. این کلان استعاره دارای چند خرده استعاره است که آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرده‌ایم. دسته نخست استعاره‌هایی است که با نور و روشنایی در ارتباطاند. این خرده استعاره‌ها بر مبنای گزاره «معرفت بصری است» شکل گرفته‌اند. شیخ جام با توجه به قلمرو حسی نور و خوشه‌های تصویری آن مانند چراغ، آفتاب، شمع و مشعل، معرفت را

مفهوم‌سازی و با کمک هر یک از خوشه‌ها یکی از ویژگی‌ها و کارکرد شناختی آن را تبیین کرده است. مبنای انتخاب این استعاره‌ها دیدگاه مذهبی و قرآنی شیخ جام درباره خداوند است. در قرآن آیات متعددی وجود دارد که در آن‌ها برای توصیف خداوند از حوزه حسی نور استفاده شده است. آیاتی مانند: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ (نور/۳۵)

شیخ جام با بهره جستن از انگاره «معرفت چراغ است» جنبه روشنایی و هدایت‌گری معرفت را برجسته‌سازی کرده است. «همان‌طور که در پرتو نور چراغ، راه از بیراهه تشخیص داده می‌شود؛ با ظهور نور نیز تیرگی و تاریکی‌ها از میان می‌رود و دل‌وجان سالک با نور چراغ معرفت روشن می‌گردد و در پرتو این نور، مسیر مجاهده - که بنیاد عرفان عملی شیخ جام بر آن گذاشته - را می‌پیماید و هر چه سعی در «مجاهده و اعراض از لذات مادی و هواجس نفسانی بیشتر باشد، توفیق نیل به مراتب معرفت شهودی بیشتر خواهد بود.» (دهبازی و میرباقری فرد، ۱۳۹۶).

خرده استعاره «معرفت به مثابه آفتاب است» بیانگر جایگاه رفیع و بلند معرفت است که سایر مقامات عرفانی در آن محو می‌شوند همان‌طور که نور آفتاب سایر نورها را در خود محو می‌کند.

استعاره «شمع و مشعله» علاوه بر دلالت بر نور و روشنایی معرفت، بیانگر فنا کنندگی است؛ زیرا سالک تا فنا نشود نمی‌تواند به معرفت برسد.

قلمرو حسی «آتش» به دلیل تقدسی که قبل و بعد اسلام داشته و برخوردار از ویژگی‌هایی مانند گرم کردن، روشنایی، پاک‌کنندگی، سوزندگی و از بین بردن برای بیان مفاهیم گوناگون عرفانی و اخلاقی همواره مورد توجه متصوفه بوده است. شیخ جام در آثارش مکرر از قلمرو حسی آتش کمک گرفته تا مفاهیمی مانند معرفت، محبت، شوق، عشق، حسد، حرص، ندامت و غیره را تبیین کند. از میان ویژگی‌های آتش، شیخ جام به ویژگی ویرانگری و از بین بردن بیش از سایر ویژگی‌ها توجه کرده البته این ویرانگری مثبت تلقی می‌شود؛ زیرا با آموزه‌های فنا و محو و خالص شدن برای شهود حق منطبق

است. همچنین استعاره آتش برای بیان مسئله «فنا» است. به این معنا که معرفت مانند آتشی باعث از بین رفتن هستی و انانیت سالک می‌شود.

دسته دوم مجموعه خرده استعاره‌هایی است که با توجه به گزاره «معرفت به مثابه شیء با ارزش است» به وجود آمده‌اند و ارزش و فضل والای معرفت و عدم دست‌یابی به آن را محسوس می‌کنند. خرده استعاره «گنج» ضرورت فنا شدن را به سالک یادآوری می‌کند؛ زیرا بدون فنا کردن هستی و آنچه مربوط به تعینات است سالک نمی‌تواند به گنج معرفت برسد. استعاره «معرفت کیمیاست» بیانگر کارکرد شناختی قدرت معرفت در کمال بخشی سالک است. همان‌طور که کیمیا هر چیزی را توانگر می‌کند کیمیای معرفت نیز سالک را توانگر می‌کند. در استعاره «معرفت هدیه است» احمد جام جنبه غیر اکتسابی بودن معرفت و عدم دست‌یابی به آن را بدون عنایت الهی برجسته‌سازی کرده است.

دسته سوم استعاره‌هایی هستند که بر اساس «معرفت شفابخش است» به وجود آمده‌اند. تجربه بیماری، تندرستی و مرگ در ناخودآگاه همه انسان‌ها وجود دارد و از محسوس‌ترین حوزه مبدأ بدنی برای خلق استعاره در زبان است. (ر.ک: استوار نامقی، ۱۳۹۴). شیخ می‌خواسته با آوردن استعاره «معرفت دارو است» هم تلخی و سختی راه معرفت و هم درمان‌گری و انبساط بخشی آن را برجسته‌سازی کند. شیخ همچنین با بهره‌جستن از استعاره «معرفت غذا است» توانسته یک تجربه شهودی را با خوردن که به درک حس چشایی مربوط است محسوس کند. از دیگر استعاره‌هایی که در مجموعه شفابخشی معرفت قرار می‌گیرد استعاره کحل و سرمه است. در این استعاره میان مبدأ و مقصد دو تناظر می‌توان در نظر گرفت: یکی روشنایی و دیگری درمان‌گری. کحل و سرمه باعث نور و بینایی چشم می‌شود. در احادیث و روایات به این خاصیت سرمه زیاد اشاره کرده‌اند. (ر.ک: طبرسی: ۱۳۶۵). معرفت هم مانند کحل و سرمه باعث می‌شود که دیده بصیرت عارفان، پرنور و به دیدن حقیقت روشن گردد. یکی دیگر از فواید کحل و سرمه کشیدن، خواص درمانی آن‌هاست که باعث پیشگیری یا درمان بعضی از بیماری‌های چشم می‌شوند. معرفت نیز زداینده و از بین‌برنده بیماری‌های نفسانی است.

دسته چهارم استعاره‌هایی هستند که با جسم شدگی معرفت در ارتباط‌اند. «جسم شدگی یکی از اصول معنی‌شناسی شناختی است. شناخت از طبیعت اجسام تأثیر می‌گیرد و جسم شدگی به وسیله زبان بیان می‌شود». (کریمی نوقی پر، ۱۴۰۰). در استعاره «معرفت لباس است» یک جسم شدگی برای «معرفت» نگاشت شده است. این استعاره مفهومی، نقش محافظت‌کنندگی «معرفت» را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند؛ و به موجب لباس است که انسان جلوه‌ای زیبا دارد و برخی از عیوبش پنهان می‌ماند. معرفت نیز انسان را از آفات تاریکی و گمراهی حفظ می‌کند و جلوه‌ای نیکو به انسان می‌بخشد. در استعاره «عَلَم» بلندی و شاخص بودن معرفت نسبت به دیگر مقامات عرفانی برجسته‌سازی شده است. عَلَم سلطان در هر کجا که نصب می‌شد خودنمایی می‌کرده و پنهان ماندن آن از دیدگان غیرممکن بوده است. معرفت نیز عَلَم عرفان است و نسبت به دیگر مقامات عرفانی جایگاه فاضل‌تری دارد.

۳-۳. استعاره‌های هستی‌شناختی ظرف

مهم‌ترین این نوع استعاره‌ها در آثار شیخ جام عبارت‌اند از:

۳-۳-۱. معرفت دریا است

«پس آنکه ملک تعالی سی دریا بیافرید: دریای صدق و دریای معرفت... پس ندا آمد که در رو تو بدین دریاها» (احمد جام، ۱۳۶۸).

۳-۳-۲. معرفت قصر است

«اول چنان باید که بر قصر معرفت شود، و به دریای کفر، و نکرت منعم فرو نگرد» (احمد جام، ۱۳۵۵).

۳-۳-۳. معرفت سراپرده سلطان است

«... هر جا که سراپرده (معرفت) سلطان بزنند معلوم باشد که جای سلطان است» (احمد جام، ۱۳۶۸).

۳-۳-۴. معرفت نظاره گاه است

«ظاهر ولایت شریعت و خدمت است و نظرگاه خلق، و باطن ولایت معرفت و اخلاص است نظاره گاه حق» (احمد جام، ۱۳۶۸).

شکل ۲-۳ کلان استعاره معرفت مکان است و خرده استعاره‌های آن



تحلیل استعاره‌های ظرف

شکل (۲-۳) کلان استعاره «معرفت ظرف است» و خرده استعاره‌های آن را نشان می‌دهد. استعاره‌های ظرف بسامد پایینی در آثار شیخ جام دارند. احمد جام به وسیله خرده استعاره‌های «دریا، نظاره گاه، سراپرده، قصر» به جنبه خاصی از معرفت توجه کرده است. استعاره‌های «دریا، قصر، سراپرده» را آورده تا عظمت، قدرتمندی و بلندی معرفت را تبیین کند. شیخ با آوردن استعاره دریا علاوه بر اشاره به بزرگی و بی‌کرانگی معرفت، جهل و خاموشی یا سکوت را هم مدنظر داشته است. عارف وقتی که وارد دریای معرفت می‌شود چاره‌ای جز خاموشی و سکوت ندارد. «در دریای علم پیغمبر سخن می‌گوید و خبر می‌دهد؛ اما در دریای معرفت خاموش می‌شود. لا ادری (فاذا القی فی بحر المعرفة قال: لا ادری، انما اعبد) اشاره به جهل است که عارف در دریای معرفت دارد، یعنی همان ظنی که عارف را به معرفت متصل می‌کند. دریای معرفت جای حرف زدن نیست، جای عمل است جای غرق شدن است. (پورجوادی، ۱۳۹۹)؛ و بنا بر قول ابوالفتح محمد بن احمد جام «قومی که در بحر معرفت غرقه گردند ناپروای هر دو کون گردند و

بساط گفت‌وگوی درنوردند و اسرار نهفته دارند و به زبان سخن گفتن نیارند که من عرف الله کلّ لسانه.» (ابوالفتح محمد بن مطهر، ۱۳۴۳). انتخاب استعاره‌هایی با قلمرو مبدأ مکان «قصر» علاوه بر بیان ویژگی شکوه و بلندی معرفت، با رابطه شیخ و سلطان سنجر سلجوقی نیز مرتبط است. در آثاری چون «روضه المذنبین» و «مقامات ژنده‌پیل» اشاره شده که سلطان سنجر به شیخ احمد جام ارادت داشته است و شیخ کتاب «روضه المذنبین» خود را که مدعی «الهام حق بودن» آن است به نام سلطان سنجر کرده است. (ر.ک: احمد جام، ۱۳۵۵). در مقامات ژنده‌پیل کراماتی از شیخ در ارتباط با سلطان سنجر ذکر شده است. (ر.ک: احمد جام، ۱۳۸۸).

۳- ۴. استعاره‌های هستی‌شناختی شخصیت

این نوع استعاره در آثار شیخ جام عبارت‌اند از:

۳- ۴- ۱. معرفت سلطان است

«و سلطان معرفت بیاید، و در چهار بالش توکل و تفویض نشیند.» (احمد جام، ۱۳۶۸).

۳- ۴- ۲. معرفت منجی است

«معرفت نجات‌دهنده است هر کجا که باشد و با هر که باشد» (احمد جام، ۱۳۵۵).

۳- ۴- ۳. معرفت راهنما است

«کسی را که عقل امیر باشد، و معرفت دلیل باشد، چگونه باکسی برابر باشد که هوای او، او را امیر باشد.» (احمد جام، ۱۳۶۸).

۳- ۴- ۵. معرفت حیوان است

این نوع استعاره در آثار شیخ جام عبارت است از:

۳- ۵- ۱. معرفت شیر است

«اما بدان که معرفت نه آن چراغی است که هر کس آن را بر تواند افروخت، و یا هر کسی آن را فرو تواند نشاند... در هر مرغزار که شیر (معرفت) باشد و آرامگاه نخجیر باشد؛ چون شیر معرفت به مرغزار در آید نخجیر بگریزد» (احمد جام، ۱۳۶۸).

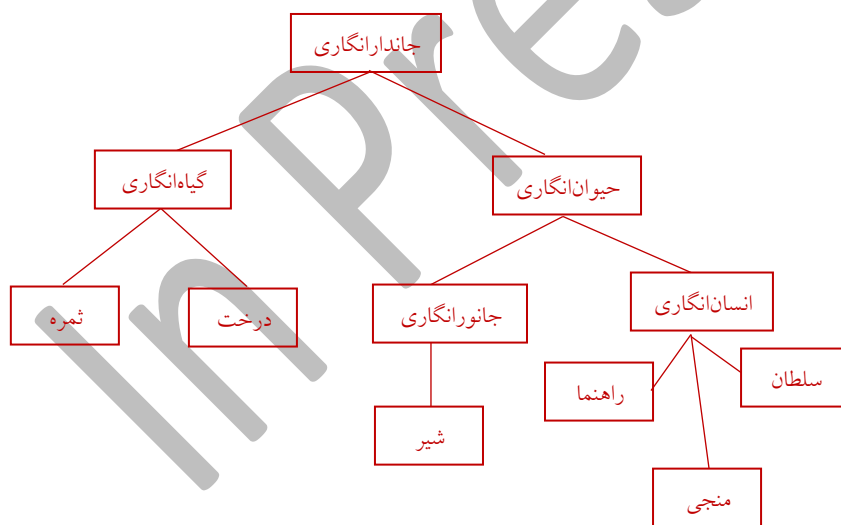
۳-۶. معرفت گیاه است

این نوع استعاره در آثار شیخ احمد جام عبارت‌اند از:

۳-۶-۱. معرفت درخت است

«درخت معرفت قوی‌تر و بلندتر از آن است که او را ازین و مانند این گزند تواند بود» (احمد جام، ۱۳۵۵).

شکل ۳-۳ استعاره‌های جاندارانگاری معرفت



۳-۹. استعاره‌های جاندارانگاری معرفت

تجسم بخشیدن به مفاهیم انتزاعی یکی از کارکردهای اصلی استعاره مفهومی است. «با استفاده از این نوع استعاره ویژگی‌ها و فعالیت‌های انسانی برای پدیده غیرانسانی در نظر گرفته می‌شود». (هاشمی، ۱۳۹۴). استعاره‌های جاندارانگاری معرفت را مطابق با شکل (۳-۳)

۳) نخست به دودسته کلی حیوان انگاری و گیاه انگاری سپس به دسته‌ها جزئی‌تر انسان‌انگاری و جانور انگاری تقسیم کرده‌ایم. در این نوع استعاره‌ها، خرده استعاره انسان‌انگاری کاربرد بیشتری داشته است.

شیخ جام به روش‌های مختلف به «معرفت» شخصیت‌های انسانی بخشیده و با انتساب ویژگی‌ها، صفات و کردار انسان جنبه‌های مختلفی از ویژگی‌های معرفت را برجسته‌سازی کرده است. مفهوم عمیق و ذهنی معرفت با استفاده از شخصیت بخشی و قلمرو مبدائی مانند «امیر، سلطان، حاکم، منجی، راهنما» به صورت عینی درآمده تا درک آن برای مخاطب باورپذیر شود. کاربرد استعاره سلطان برای معرفت و دیگر مقامات و حالات عرفانی در آثار شیخ به طور گسترده و مکرر است. برای احمد جام که -مانند دیگر عارفان سنت نخست عرفانی- هدف و غایت عرفان وی «معرفت» است و آن را بالاتر و مسلط بر دیگر مقامات عرفانی می‌داند سلطان، حاکم و امیر مدل‌های تجربی خوبی بوده‌اند تا به کمک این مدل‌ها عظمت و قدرت معرفت را تجسم ببخشد. ملزوماتی که مربوط به این شخصیت بخشی هستند مانند چهار بالش، سرسرا، تخت، بساط، نهال، نطع، ندیم، تاج، ایمن، پیوند، دارالملک، خانه، وزیر، فرش، شهادت، تقاضا، دیدار، قاضی، راه، سپهسالار، گمراهی، هدایت، وارد شدن، جست‌وجو کردن، اصحاب الاخدود، اصحاب کهف، بلعام با عور و با بر صیصای عابد و ابلیس همگی تعمیم‌هایی هستند که احمد جام برای استعاره پردازی و مفهومی کردن و محسوس کردن معرفت، آنان را از الگوی استنباطی انسان و قلمروهای ملموس آن اقتباس کرده است. قلمرو منبع «سلطان» با توجه به روابط و ارادتی که شیخ جام با دربار و بخصوص سلطان سنجر داشته انتخاب شده‌اند. این رابطه و ارادت از جانب هر دو طرف بوده است؛ زیرا «دوستی و ارادت سنجر به احمد جام، او را نزد همگان موجه‌تر و مقبول‌تر می‌کرده و به تثبیت پایه‌های حکومت او می‌انجامیده است و از طرف دیگر، تمایل شیخ جام به سلطان سنجر، اولاً سبب حفظ و اشاعه آثار شیخ می‌شده و ثانیاً اقتدار و منزلت اجتماعی شیخ جام و به خصوص مریدان او را دوچندان می‌کرده است.» (مدنی، ۱۳۹۴).

همچنین انتخاب این استعاره می‌تواند بر اساس دیدگاه مذهبی شیخ جام و تحت تأثیر استعاره «خداوند سلطان است» باشد. در تفکرات صوفیه رابطه عبد و معبود مانند رابطه

سلطان و رعیت است. «در این دیدگاه، خداوند به‌مثابه پادشاه قدرتمندی است که بر جان و مال بنده یا رعیت خویش حاکم است و امر، امر اوست و بنده حق هیچ اعتراضی یا توان مقاومت در برابر خواست او را ندارد». (هاشمی، ۱۳۹۲). از دیدگاه شیخ جام مرتبه معرفت در میان دیگر مقامات عرفانی مانند مرتبه سلطان در میان سایر افراد جامعه است؛ یعنی همان‌طور که سلطان غالب بر زیردستان است؛ معرفت نیز می‌تواند مانند قدرتمندترین فرد جامعه، غالب بر دیگر مقامات عرفانی تجسم شود.

طرح‌واره تصویری حاصل از استعاره «معرفت راهنما است» هدایت‌گری و بصیرت‌افزایی است. در مسیر سیر و سلوک «معرفت» راهنمای انسان است که با آگاهی بخشی و بصیرت‌افزایی راه درست را به سالک یا هر انسان دیگری نشان می‌دهد. حوزه‌هایی مانند «منجی» نیز ناظر بر همین جنبه هدایت‌گری و نجات‌بخشی انسان از گمراهی و آفت و سختی‌های نفسانی است که در مسیر سلوک حق وجود دارد. تصویرسازی‌های شیخ جام در انسان‌نگاری معرفت، نشان می‌دهد که او شخصیت خاصی را مدنظر نداشته و تأکید وی بر مفهوم عام انسان بوده است و با نسبت دادن کارها و خصوصیات انسان به معرفت آن را تجسم بخشیده و مفهومش را برای مخاطبان عینی و ملموس کرده است.

در آثار شیخ جام گزاره «معرفت به‌مثابه حیوان است» فقط یک‌بار موضوعیت پیدا می‌کند. «شیر» ناظر بر برتری و قدرت معرفت نسبت به دیگر مقامات عرفانی است.

برای گیاه‌نگاری «معرفت» استعاره «درخت معرفت» و «بار معرفت» به‌کاررفته است. شیخ با استناد به آیه قرآنی: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم/۱۴) معرفت را به‌مثابه درختی مفهوم‌سازی کرده که دارای ریشه، شاخ و برگ و میوه است. استعاره درخت، ویژگی بالندگی معرفت و قوی بودن و آسیب‌ناپذیری آن را برجسته می‌کند. (احمد جام، ۱۳۶۸). خرده استعاره «معرفت به‌مثابه بار است» اشاره به ثمره معرفت دارد. شیخ جام ثمره درخت معرفت را «اخلاص، صدق، وفا، قناعت، توکل، تفویض، تسلیم، شفقت، حرمت، نصیحت، زاد، خوف و رجاء و مرگ را فرا ساختن» می‌داند. (ر.ک: احمد جام، ۱۳۶۸)

جدول ۳-۱- ویژگی‌های معرفت و کارکردهای شناختی آن در آثار احمد جام

رده	ویژگی	خرده استعاره‌ها	کارکردهای شناختی
۱	عظمت	معرفت به‌مثابه نظاره گاه است معرفت به‌مثابه آفتاب است معرفت به‌مثابه قصر است معرفت به‌مثابه علم است معرفت به‌مثابه آتش است	بلندی بلندی / فنا بلندی / ناشناختگی بلندی وحدت / فنا
۲	ارزشمندی	معرفت به‌مثابه گنج است معرفت به‌مثابه کیمیا است معرفت به‌مثابه گوهر است معرفت به‌مثابه هدیه است	ناشناختگی / فنا ناشناختگی / بلندی ناشناختگی ناشناختگی
۳	روشنایی	معرفت به‌مثابه چراغ است معرفت به‌مثابه شمع است معرفت به‌مثابه مشعله است	هدایت فنا فنا
۴	قدرتمندی	معرفت به‌مثابه سلطان است معرفت به‌مثابه دریا است معرفت به‌مثابه شیر است	تسلط تسلیم / فنا تسلط
۵	بصیرت افزایی	معرفت به‌مثابه منجی است معرفت به‌مثابه راهنما است	یارگیری یارگیری
۶	آسیب‌ناپذیری	معرفت به‌مثابه درخت است	بالندگی
۷	نابودگری	معرفت به‌مثابه آتش است	فنا / وحدت

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌کنید از میان هفت ویژگی به ترتیب مشخصه‌های عظمت، ارزشمندی، روشنایی و قدرتمندی دارای نقش بیشتری در مفهوم‌سازی معرفت از نظر شیخ احمد جام بوده است. در مفهوم‌سازی عظمت تأکید احمد جام بر برجسته‌سازی

بلندی و جایگاه والای معرفت است برای این منظور از نمادهایی مانند آفتاب، نظاره گاه، قصر و علم کمک گرفته است. همچنین شیخ جام ارزشمندی معرفت را در دور از دسترس بودن، پوشیدگی و ناشناختگی آن دانسته و از خرده استعاره‌های گنج، کیمیا، گوهر و هدیه بهره برده است تا بتواند ناشناختگی معرفت را برای مخاطب خود محسوس کند. برای تبیین روشنایی بخشی معرفت از استعاره‌های چراغ، شمع و مشعله استفاده کرده است. همان‌طور که رونده در تاریکی در پرتو نور این نمادها می‌تواند راه درست را تشخیص دهد و به سلامت به مقصد برسد سالک الی الله نیز در پرتو نور معرفت می‌تواند از تاریکی‌ها بگذرد و به سرمنزل مقصود برسد. شیخ جام برای نشان دادن قدرتمندی معرفت از خرده استعاره‌های سلطان، دریا و شیر بهره برده است تا بتواند برتری و قدرت مقام معرفت نسبت به دیگر مقامات عرفانی را ملموس و ساده‌تر کند.

همچنین در جدول فوق چند کارکرد فنا، بلندی، ناشناختگی، هدایت، تسلط، تسلیم و یاریگری در نظام فکری شیخ احمد جام دیده می‌شود. چنان‌که از داده‌های جدول برمی‌آید کارکرد شناختی فنا در منظومه فکری شیخ جام در مدار اصلی قرار می‌گیرد. این کارکرد و خرده استعاره‌های مرتبط با آن نشان می‌دهد که مباحث توحیدی عرفان مانند فنا و وحدت بر ذهنیت احمد جام تسلط عمیقی دارد. کارکرد ناشناختگی و بلندی در محور دوم فکری قرار می‌گیرند. مبنای حضور این دو کارکرد پنداشت احمد جام درباره خداوند است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل و بررسی استعاره‌های مفهومی «معرفت» در آثار احمد جام می‌توان نحوه کاربرد آن‌ها را در سه استعاره اصلی «معرفت ماده است»، «معرفت ظرف است» و «معرفت انسان است» قرارداد. شیخ جام برای تجسم بخشی به مفهوم معرفت از کلان استعاره «معرفت به‌مثابه ماده است» و خرده استعاره‌های مرتبط با آن بیشتر از سایر استعاره‌ها استفاده کرده است. همچنین در استعاره‌های ماده، احمد جام به «نور» و خوشه‌های تصویری آن مانند چراغ، آفتاب، شمع و غیره توجه خاصی داشته است و مبنای این توجه به دیدگاه مذهبی و

قرآنی شیخ جام برمی‌گردد که معرفت و خدا را به استناد آیات قرآنی نور می‌دانستند. استعاره‌های برخاسته از ظرف یا مکان بسامد کمی دارند و شیخ جام در این گروه از استعاره‌ها با آوردن خرده استعاره‌هایی مانند دریا، قصر، نظرگاه و سرپرده کارکردهای عظمت، شکوه، بلندی و فنای معرفت را تجسم بخشیده است. در کلان استعاره انسان‌نگاری معرفت و خوشه‌های مرتبط با آن، بیشترین استعاره‌ها از قلمروی سلطان و ملزومات آن انتخاب شده است. بسامد بالای این قلمرو از یک طرف به رابطه‌ای که شیخ با دربار داشته و ارادت دوطرفه‌ای که بین وی و سلطان سنجر بوده مرتبط است و از سوی دیگر ریشه در کلان استعاره «خداوند سلطان است» دارد.

از دیگر نتایج این پژوهش آن است که تعالیم عرفانی احمد جام درباره معرفت و مفهوم‌سازی آن، بر اساس چند کارکرد محدود است که عبارت‌اند از: وحدت، فنا، تسلیم، تسلط، ناشناختگی، قدرت و تسلیم. این کارکردهای شناختی بیانگر آن هستند که موضوعات توحیدی عرفان مانند فنا و تسلیم بر ذهنیت شیخ جام تسلط کاملی دارند. سرچشمه کارکردهای ناشناختگی، تسلط و تسلیم، قدرت و بلندی، پنداشت احمد جام درباره خدا است. به اعتقاد او معرفت و خداوند یکی هستند و در آثار خود بارها باین ویژگی‌های مشترک از این‌همانی معرفت و خداوند سخن گفته است به‌خصوص جاهایی که از استعاره‌های نور و خوشه‌های تصویری آن کمک گرفته است.

تعارض منافع:

تعارض منافع ندارم

منابع

قرآن

ابوالفتح محمد بن مطهر بن شیخ‌الاسلام، احمد جام. (۱۳۴۳). حدیقه‌الحقیقه. به اهتمام محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

بهنام، مینا. (۱۳۸۹). استعاره مفهومی نور در دیوان شمس. نقد ادبی، ۳ (۷)، ۱۱۴-۹۱.

- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۹۹). دریای معرفت از بایزید تا نجم دایه. تهران: هرمس.
- جام نامقی، احمد. (۱۳۶۸). انس التائبین و صراط الله المبین. مقدمه، تصحیح و تعلیقات علی فاضل. تهران: انتشارات توس.
- _____ (۱۳۵۵). روضه المذنبین. مقدمه، تصحیح و تعلیقات علی فاضل. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۸۷). کنوزالحکمه. تصحیح و تعلیقات حسن نصیری جامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۶). رساله سمرقندیه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات حسن نصیری جامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جرج لیکاف، مارک جانسون. (۱۳۹۶). استعاره‌هایی که باور داریم. ترجمه راحله گندمکار. تهران: علمی.
- خدادادی، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی استعاره‌های مفهومی در عبهرالعاشقین. مشهد: دانشگاه فردوسی
- دهباشی، مهدی و میرباقری فرد، سید علی اصغر. (۱۳۹۶). تاریخ تصوف. ج ۱. تهران: انتشارات سمت
- دهقان، زهرا و ملک ثابت، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی استعاره مفهومی بذر در مرصادالعباد نجم الدین رازی. بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، ۴ (۷)، ۱۲۰-۱۰۷.
- زرین فکر، مژگان و صالحی نیا، مریم و مهدوی، سید جواد. (۱۳۹۳). استعاره مفهومی رویش در معارف بهاء ولد. ادبیات عرفانی، ۵ (۹)، ۱۷۲-۱۳۷.
- طبرسی، حسن بن فضل میرباقری. (۱۳۶۵). مکارم الاخلاق. ترجمه سید ابراهیم میرباقری. تهران: فراهانی
- غزنوی، سدیدالدین محمد. (۱۳۸۸). مقامات ژنده پیل. به اهتمام حشمت مؤید. چ ۴. تهران: علمی و فرهنگی.

کریمی نوقی پور، زهرا و قطبی، ثریا و داودی مقدم، فریده. (۱۳۹۹). استعاره مفهومی عقل در روایات. پژوهش دین، ۴۲، ۲۲۲-۱۹۹.

مدنی، امیرحسین. (۱۳۹۴). باز بی نیازی. کاشان و تهران: دانشگاه کاشان و سخنوران.

هاشمی، زهره. (۱۳۹۲). زنجیره‌های استعاری محبت در تصوف؛ بررسی دیدگاه صوفیه درباره محبت از قرن دوم تا ششم هجری بر بنیاد نظریه استعاره مفهومی. نقد ادبی، ۶ (۲۲)، ۴۸-۲۹.

_____ (۱۳۹۴). عشق صوفیانه در آینه استعاره؛ نظام‌های استعاری عشق در متون عرفانی منشور بر اساس نظریه‌ی استعاره شناختی. تهران: علمی.

Lakoff, G. & M. Johnson. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London: University of Chicago Press.

Lakoff, G. (1993). *The Contemporary Theory of Metaphor in Metaphor and Thought*. Ed. A. Ortony. Second Edit. Pp. 202-251. Cambridge University Press.

References

Qoran

Ahmad Jam, A. (1968). *Hadighe tolhaghighe*. By Mohammad Ali Movahed. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]

Behnam, M. (2010). *Conceptual metaphor of light in Divan-e Shams*. *Literary Criticism*, 3 (7), 91-114. [In Persian]

Dehbashi, M and Mirbagheri Fard, A. (2017). *History of Sufism*. Tehran: Samat Publications. [In Persian]

Dehghan, Z and Malik Sabet, M. (2018). *A Study of the Conceptual Metaphor of Seed in the Observation of the Worshipers Najmuddin Razi*. *Applied Rhetoric and Rhetorical Criticism*, 4 (7), 107-120. [In Persian]

.GHaznavi, S. (2009). *moqamat Jande Peel*. Confirm with the care of Heshmat. Tehran: Scientific and cultural. [In Persian]

- George, L. and Mark, J.(2017). *The metaphors we believe in*. Translated by Raheleh Gandmakar. Tehran Scientific. [In Persian]
- Hashemi,Z.(2013).*Metaphorical chains of love in Sufism; A study of the Sufi view of love from the second to the sixth century AH based on the theory of conceptual metaphor*. Literary Criticism, 6(22),29-48. [In Persian]
- _____.(2015). *Sufi love in the mirror of metaphor; Metaphorical systems of love in prose mystical texts based on metaphorical theory*. Tehran: Scientific. [In Persian]
- jam Namqi, A.(1989). *Ans al-Ta'ibin and Saratullah al-Mubin*. Introduction, correction and comments by Ali Fazel. Tehran: Toos Publications. [In Persian]
- _____.(2008). *Kunuz al-Hikma*, correction and comments by Hassan Nasiri Jami. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- _____.(1976). *Rozetol moznabin*. Introduction, correction and comments by Ali Fazel. Tehran Iranian Culture Foundation. [In Persian]
- _____.(2017). *Resaleh semarghandiyeh*. Introduction, correction and comments by Hassan Nasiri Jami. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Karimi Noghypour, Z and Ghotbi, S and Davoodi Moghadam, F.(2020). *Conceptual metaphor of reason in narrations*. Religion Research, 42, 199-222[In Persian].
- Khodadadi, Zahra. (2011). *Examining conceptual metaphors in Abhar al-Ashqin*. Mashhad: Ferdowsi University
- Lakoff, G. & M.johnson. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London:University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1993). The Contemporary Theory of Metaphor in Metaphor and Thought. Ed. A. Ortony. Second Edit. Pp. 202-251. Cambidge University Press.
- Madani, A.(2015). *Needless goshawk*. Kashan and Tehran: Kashan University and Sokhanvarean. [In Persian]
- Pourjavadi, N.(2020). *The sea of knowledge from Bayazid to Najm Dayeh*. Tehran: Hermes. [In Persian]

Tebarsi,h.(1986).*Mekaramo alakhlagh*. Translated by Seyed Ibrahim Mir Bagheri. Tehran: Farahani. [In Persian]

ZarrinFekr, M. and Salehinia, M and Mahdavi, J.(2014). *Conceptual metaphor of growth in the Maaref Bahvalad*. *Mystical Literature*,5 (9), 137-172. [In Persian]

In Press